
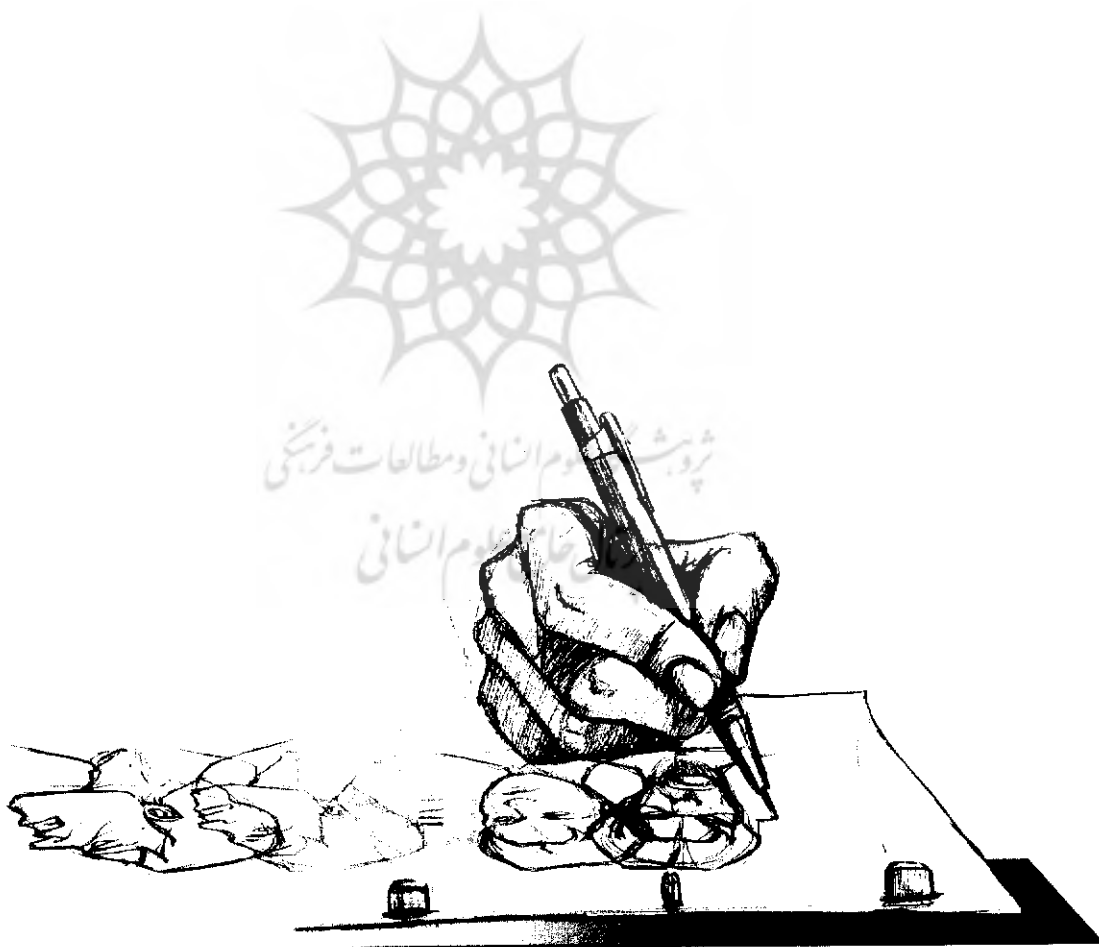


تعلیم انیماتورها در طی چند دهه

تام سیتو 

ترجمه: پریسا کاشانیان



با یکدیگر در میان می‌گذاشتند. وقتی «جیمز استوارت بلکتون» به هنر انیمیشن جذب شد، با «ادوارد مویرس» درباره تجربیات خودش و «جوزف پلاتو» مشورت کرد. «وینسور مکلی»، «امیل کول»، «جی. آر. بری» و «بلکتون» دست یافته‌های خود را با یکدیگر در میان می‌گذاشتند و آن‌ها را به «ماکس فلیشر» و «والتر لنتز» و بقیه انتقال دادند.

بسیاری از انیماتورهای اولیه در ابتدای کار خود را یا کاریکاتوریست روزنامه ناامید بود و یا تصویرگرانی که به علت نیاز به کار کردن به حد اعلی خود نرسیده بود. بعضی از آن‌ها آنقدر از این مسئله که مهارت‌های هنرمندانه آن‌ها در چنین سرگرمی‌های عامه پسند به هدر می‌رود شرمند بود که از عکس گرفتن در جلوی استودیوی خودشان امتناع می‌کردند.

با وجود این که انیماتورهای دوران فیلم‌های صامت با کارهای تکنیکی فوق العاده وینسور مکلی معجزه می‌کردند، تعداد اندکی از آن‌ها به فکر پیشرفت مهارت‌های خود در زمینه انیمیت کردن بهتر کارها بودند. آن‌ها آنقدر بلد بودند که در مقابل آن دستمزدی به دست آورند و همین برایشان کافی بود. تقریباً تا اواسط دهه ۱۹۳۰ بود که هنرمندان جوانی مانند «میلت کال» و «فرانک توماس» سعی کردند که پرونده کاری خود را به والت دیزنی نشان دهند تا کاری به دست آورند. انیماتوری به نام «بیل تیتلا» که تحصیل کرده اروپا بود و در میان هنرمندان در دهکده گرین ویچ نیویورک زندگی می‌کرد، مانند بسیاری از افرادی که در نیویورک بودند برای بهبود مهارت‌های طراحی خود به لیگ دانشجویان هنر که زیر

چند درس طراحی پایه‌ای یاد بگیرید، به آن مقداری حس درونی بازیگری و زمان‌بندی اضافه کنید. سپس یک ذره درک سینمایی یک کمی حس تأتری و یک اونس فیزیک به آن اضافه کنید و تکان دهید تا مخلوط شود بعد آن را در جدیدترین نرم افزار بریزید تا اجرا شود در این صورت شما یک انیماتور شده‌اید.

در قرنی که فیلم‌های انیمیشن بسیار فراوان هستند، توانایی طراحی و انیمیت شخصیت‌های باورپذیر از اندکی کار ساده هنر طراحی دست به یک تکنیک بسیار حرفه‌ای که نیازمند گذراندن دوره‌های دانشگاهی است، تبدیل شده است. اولین پیشگامان هنر انیمیشن نمی‌توانند برای یادگیری این هنر به دانشگاه بروند چون آن‌ها همزمان تکنیک‌های این عرصه را در حین کار کردن خلق می‌کردند. آن‌ها اطلاعات خود را

به استودیو آورد. «مارک دیویس» به خاطر دارد که یک سه‌شنبه در هر ماه والت هنرمندانش را به یک سینمای هنری در فیرفاکس می‌برد تا آخرین فیلم‌های هنری جدید اروپا را ببینند و درباره آن بحث کنند.

برای بسیاری از انیماتورهای اولیه مثل «بابیت» و «جیمی کولپین» این اول آموزش هنری رسمی بود که آن‌ها تا به حال دیده بودند. بعدها در تمام عمرشان آن‌ها از تأثیر زیادی که آموزش‌های دون‌گراهام در کارهایشان داشت یاد می‌کردند. علاوه بر هنرمندان رده بالا، یک برنامه طراحی برای تازه واردان زیر نظر استاد سخت‌گیر و جدی به نام «جورج درک» برای تعلیم انیماتورهای میانه‌ای برای بخش Clean up وجود داشت.

در ۱۹۴۱، والت دیزنی ۱۰۰/۰۰۰ دلار در سال فقط برای کلاس‌ها هزینه می‌کرد که به نظر بقیه تولیدکنندگان انیمیشن هزینه زیادی بود. این برنامه باعث شد که کیفیت کلی کار استودیو به سرعت پیشرفت کند. این مسئله یک عامل کلیدی در پیشی گرفتن هنرمندان مشهورتری مثل «لیکو لبران» و «جین شارلوت» شد که برای تعلیم به تیم او بیایند. وقتی که آرشیو معروف «فرانک لویدرایت» کار فانتازیا را دید گفت: «من تمام کارهای بصری را دوست دارم اما چرا شما همه‌اش از این موسیقی‌های قدیمی و کهنه استفاده کرده‌اید» اما این برنامه‌های به خاطر اعتصاب، جنگ جهانی دوم و دوران پس از جنگ متوقف شد.

هنرمندانی که بعد جنگ جهانی دوم بر می‌گشتند می‌توانستند در کالج «رانکین جی بیل» شرکت کنند تا مهارت‌های خود را ارتقا دهند.

نظر مربیانی چون «جورج بریج من» و «کیمون نیکولیدز» رفت. والت دیزنی نیز یک دوره آموزش کاریکاتور (کارتونینگ) را در آکادمی هنرهای زیبای شیکاگو گذراند و کتاب اوژن تونر با عنوان «کارتون‌های جاندار و چگونگی ساخت آن‌ها» را مطالعه کرد. اما اغلب هنرمندان ترجیح می‌دادند که فقط بر استعدادهای ناپخته خود تکیه کنند.

در سال ۱۹۳۱، انیماتور دیزنی، «آرت بابیت»، یک سری کلاس‌های طراحی غیر رسمی آموزش طراحی را در منزل خود آغاز کرد. در آنجا هنرمندان پول روی هم می‌گذاشتند تا پول مدل را بدهند. اما در جلسه دوم کسی در کلاس‌های او شرکت نکرد. والت دیزنی از این جلسات باخبر شد و تصمیم گرفت که این جلسات را در ساختمان استودیو برگزار کند و آن‌ها رسمی کند. البته او تا حدی نگران این مسئله بود که اخبار بدی درباره انیماتورهای او و مدل‌ها به روزنامه‌ها درز نکنند. به خاطر داشته باشید که در دوران آن‌ها یک انیماتور طبق دستور باید علامتی به در اتاقش نصب می‌کرد که با عنوان A.I.R یا «هنرمند در اینجا است» و به بقیه اطلاع می‌داد که یکی از همکاران با یک مدل در اتاق است. والت دیزنی اصلاً مایل نبود شایعه‌ای درباره استودیوی او بر سر زبان‌ها بیفتد.

کمی بعد والت هنرمندانش را با ماشین قدیمی‌اش به کلاس‌های انستیتو «چاینارد» که خانم «نلبوت چاینارد» در ۱۹۳۲ تاسیس کرد، می‌برد که در پایین شهر لوس آنجلس بود بعد او یکی از معلمان طراحی آن‌ها به نام «استان فورد دون گراهام» را برای سرپرستی و آموزش هنری

بعضی از آن‌ها حالا به آموزش به عنوان فرصتی برای انتقال آموخته‌های خود به نسل جدید می‌نگریستند. آموزش انیمیشن در مدارس آغاز شد.

در ۱۹۴۱، دستیار «بیل تیلتاور» دیزنی، «ویلیام شال» یک رشته انیمیشن را در دانشگاه‌های کالیفرنیا، لوس آنجلس را که به کارگاه انیمیشن ALCU تبدیل شد آغاز کرد. «شال» هم مثل بسیاری از هنرمندان انیمیشن آن دوره تحت تأثیر چیزی که ما آن را تحول UPA «پلی هاوس پیکچرز» می‌نامند قرار گرفته بود. بسیاری می‌خواستند شیوه‌های جدید داستان‌گویی و سبک‌های جدید آبستره ماورای رئالیسم، که آن را همان مقوله قدیمی «تعقیب موش و گربه» می‌نامیدند، بررسی کنند.

اولین مدرسه فیلم در ایالات متحده در ۱۹۲۹ در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی تأسیس شد. هنرپیشه فیلم‌های صامت مثل «مری پیکفورد» و «داگلاس فیربنکس» به بودجه مادی کمک کردند و از اولین اساتید آنجا بودند و از حاضران این کلاس‌ها «والث دیزنی» و «آلفرد هیچکاک» بودند. در اوایل ۱۹۴۲ فرد پیشگام IMAX و انیماتور دیزنی «لس نوروس» به تدریس «اصول و مکانیک انیمیشن» می‌پرداخت. «هرب کوزوور» گرافیک فیلم را در دهه ۶۰ تدریس می‌کرد و در دهه ۷۰ «جن کو» تعداد کمی رشته‌های گرافیک انیمیشن را درس می‌داد.

امروزه، «تامی تروجان» برنامه بزرگی را در دپارتمانی به نام دپارتمان انیمیشن و هنرهای دیجیتال (DADA) ارائه می‌کند. بعد از جنگ شیوه آموزش دیزنی هنوز در انستیتو هنر

چیونارد ادامه داشت. مرد افسانه‌ای دیزنی «دون گراهام» و انیماتوری به نام «مارک دیویس» کلاس‌ها را درس می‌دادند و البته با معلمین جوان رادیکال و سنت‌شکنی چون «باب کورتز» همکاری می‌کردند. باب یک دفعه گفته بود: «اگر بهشتی وجود دارد، آنجا چیونارد است. در دهه ۵۰ و ۶۰ با کاهش تعداد استودیوهای بزرگ هالیوود، شیوه‌های ساختاری توسط استودیوهای جدیدی مثل UPA و «جان هابلی» استوری‌بورد پروداکشن ابداع شد. این تغییر در آموزش انیمیشن منعکس شد. اهمیت این دوره‌ها موجب شد که به تدریج به جای تعلیم صرفاً نیروهای حرفه‌ای برای سرویس دادن به صنعت سرگرمی‌سازی، بیشتر به پرورش فرم‌های غیر سنتی شخصی‌تر فیلم‌های هنری بپردازند.

در شهر نیویورک مدرسه، کارتونیست‌ها و طراحان که در سال ۱۹۴۹ توسط سردبیر کاریکاتور روزنامه «بیل گالو» آغاز شده بود به مدرسه هنرهای بصری در سال ۱۹۶۰ تبدیل شد. «شامول کول‌هین» کار انیمیشن خود را آغاز کرد و به دنبال او افراد حرفه‌ای این صنعت مثل «گیل میرت» از پارامونت، «هوارد بکرمن»، «مارتی آبراهامز» و «وان دوگا» از UPA کار او را ادامه دادند. مدرسه هنرهای صنعتی که «رالف بکشی» فارغ‌التحصیل آنجاست در ۱۹۴۹ دبیرستان هنر و طراحی نیویورک شد که به دانش‌آموزان دبیرستانی انیمیشن و کارتونیگ آموزش می‌داد.

با وجود این که استودیوی «پرات» خودش هیچ برنامه اجرایی انیمیشن نداشت اما افراد صاحب نام و مشهوری در انیمیشن مثل «اریک

در خودشان مشاهده کردند. آن‌ها پیر شده بودند و بسیاری از آن‌ها بازنشسته شده بودند. بقیه مثل «جان هنج» و «مارک دیویس» می‌خواستند چالش‌های دیگری در پارک‌های تفریحی تجربه کنند. از آن روزهایی که والت هنرمندان را با ماشین قدیمی‌اش به کلاس‌های طراحی می‌برد و مدرسه طراح‌های میانی جو در یک خیلی وقت سپری می‌شد. چه کسی باید سال‌های چند دهه پیشرفت، افسانه دیزنی را ادامه می‌داد؟ آیا همه آن‌ها در عرض یک نسل ناپدید می‌شدند؟ «شاموس کولین»، در نیویورک می‌پرسید: «در ۲۰ سال بعد از این، شما چه کسی را استخدام می‌کنید؟»

بنابراین در سال ۱۹۷۲، این استودیو از ۹ مرد بزرگ «اریک لاریسون» را سرپرست یک برنامه آموزش داخلی کرد. در سال ۱۹۷۵، ۲۱ نفر کارآموز استخدام شدند که تعدادی آن‌ها افراد بزرگ انیمیشن عصر معاصر ما هستند مثل «جان ماسکر»، «اندی گاسکیل»، «دن هاسکت»، «مایک مک‌کینی»، «ران کلمنتس»، «براد برد»، «ران هازیند»، «گلن کین»، «مارک هن»، «رندی کارت رایت»، «مایکل سدنو»، «هایدی گودل»، «فیلم یانگ»، «رندی کوک»، «هندل بوتی»، «فیل نیلینگ»، «چاک هاروی»، «جان لستر»، «دیو اسپاف فورد»، «لیند امیلر»، «لورناپومروی کوک»، «دیان لاند» و...

در شرکت برادران وارنر، «موریس نوبل» کارگردان هنری نیز تعدادی افراد جوان را زیر بال و پر خود گرفت. آن‌ها به نام مستعار «پسران نوبل» خوانده می‌شدند و شامل کارگردان‌های نسل بعدی چون «راب مینکوف» و «دان هان» و

گلدبرگ» و دیوید سیلورمن» را تربیت کرد. کالج «شریدن» در انتاریو، کانادا در ۱۹۶۹ توسط «جک پورتر» و «دین ویلیام فریت» تأسیس شد. «بیل مارتسگیز»، «بیل ماتیوز» «کیچ پیندال» و آرتیست قدیمی دیزنی و UPA «زاک شوارتز» دوره‌های ۴ ساله دانشگاهی انیمیشن را بنیاد نهادند که فارغ التحصیلان آن می‌توان به «دانکن مارجوری بنکس» و «جان‌کی» اشاره کرد.

در ۱۹۶۲، کمپانی دیزنی تصمیم گرفت که مدرسه جدیدی از ادغام استودیوی قدیمی چوینارد و هنرستان موسیقی لوس‌آنجلس درست کند و آن را انستیتوی هنرهای کالیفرنیا یا به طور ساده‌تر «کال آرتز» نامید. در مراسم کلنگ‌زنی در سال ۱۹۶۹ وقتی که «لیلیان دیزنی» اولین بیل خاک را جابه‌جا کرد، «باب کلامپت» پشت سر او ایستاده بود و برای دوربین‌های عکاسی شکلک در می‌آورد. علاوه بر آموزش انیمیشن دیزنی، کال آرتز به سرعت به یک شهرت کشوری در زمینه آهنگسازی پیشرفته موسیقی دست یافت. طراح قدیمی UPA «ژول انگل» یک برنامه جدا پایه‌ریزی کرد که در ابتدا گرافیک فیلم نام داشت و بعد انیمیشن تجربی نام گرفت. با این برنامه دانشجویان می‌توانستند جنبه‌های غیرستتی زیبایی شناختی انیمیشن را کشف کنند. برنامه ژول هنرمندان آبستره غیرستتی بزرگ زیادی مثل «سارا پتی» «کریستین پانوشکاو» و «ویبکی سورنسون» را پرورش داد. برنامه انیمیشن تجربی تا حد زیادی تاثیر «کال آرتز» را تعدیل کرد به طوری که دیگر پیشرو استودیوی دیزنی محسوب نمی‌شد. در دهه ۱۹۷۰، پیشگامان استودیو دیزنی چیز جدیدی

یافت شده در سال‌های طلایی هالیوود به افراد جدیدی انتقال یافته است. در ۱۹۷۳ «ریچارد ویلیامز» او را به لندن دعوت کرد. ویلیامز یکی از اولین استودیوهای آگهی‌سازی را در اروپا تأسیس کرده بود، اما مشابه به دیزنی در دهه ۳۰، متوجه شد که پیشرفت و آموزش افرادش کلید اصلی موفقیت آینده است.

ویلیامز عملاً استودیوی «سوهو اسکوترش» را به مدت ۲ ماه به هزینه خودش تعطیل کرد تا در این مدت انیماتورهای بزرگی مثل «چاک جونز»، «گریم تات ویک»، «کن هریس» و «آرت بایت» اعضای گروهش را آموزش دهند. یادداشت‌های ویکی از سخنرانی‌های بایت بارها و بارها تکثیر شد و تا مدت‌ها یکی از معتبرترین منابع غیرچاپی انیمیشن عملی بود. در دهه ۱۹۸۰، بسیاری از کالج‌های جدید برنامه‌های فیلم خود که شامل انیمیشن نیز بود گسترش دادند. رشته‌های انیمیشن دیگر صرفاً عروسک هالیوود، NYC و اونتاریو نبود. لی میشکین فرد پیشرو UPA به تأسیس مدرسه فیلم ونکوور کمک کرد، مدرسه «رینگ‌لینگ» در فلوریدا ابتدا در ۱۹۳۱ شروع به کار کرد، «جان کولهن» و «جان کین میکر» رشته‌هایی از انیمیشن را در NYC ایجاد کردند، کلاس‌های انیمیشن در دانشگاه واشنگتن، بریگهام یانگ، ساوانا و چندین جای دیگر شروع به کار کردند.

رسانس بزرگ 2D در دهه ۱۹۹۰ و انقلاب دیجیتال جهش رشدی بزرگی را در رشته‌های انیمیشن به وجود آوردند. رشته‌های شبانه انیمیشن «گیلد لوکان ۸۳۹» به صورت یک برنامه متداول که انستیتو انیمیشن آمریکا خوانده می‌شد

«کلی آسبری» بودند. «بیل هانا» و «جوباربرا» نیز یک برنامه آموزشی نیز زیر نظر انیماتوری به نام «هاری لاو» داشتند. تام سیتو می‌گوید: در ۱۹۷۸ که او در هانا-باربرا بود یک کلاس ویژه مخفی نیز به نام «کلاس بنی» برپا بود. هر سه‌شنبه شب بعد از کار، انیماتور ویژه باگربانی «بن واشمن» در گاراژ خانه‌اش به هر انیماتور نوپایی که از حضور در جمع معذب بود، تدریس می‌کرد.

وقتی تام سیتو از او پرسید که چرا برای چنین آموزش خاصی پولی دریافت نمی‌کند، پاسخ داد که انیمیشن آنقدر برای او خوب بوده است که با این کار به آن ادای دین می‌کند. با یک خلال دندان در دهان و یک لبخند ملایم به کارآموزان زمان‌بندی کارهای کلاسیک برادران وارنر را آموزش می‌داد. وقتی وی در سال ۱۹۸۵ درگذشت، در نظر داشت که کتابی درباره تکنیک‌های انیمیشن خود بنویسد.

بعضی از هنرمندان با استعداد به سختی می‌توانستند کار خود را در قالب کلمات شرح دهند. «میلت کاهل» به سختی می‌توانست توضیح دهد که چه چیز کار او را چنین استثنایی ساخته است. یکبار از او خواستند در برابر یکی از کلاس‌های دیزنی بایستد و یک Chalk - Talk انجام دهد. او من‌من کرد و مدتی غرغر کرد و در نهایت غرش کنان گفت: «اوه، فقط نقاشی کنید.»

«آرت بایت» استعداد خاصی برای شرح مختصر و مفید این‌که چگونه انیمیشن‌های محبوب با کیفیت می‌سازد، داشت. او مکرراً در USC، UCLA و واحد انیمیشن مراکز اجرایی، این اطمینان را می‌داد که مهارت‌های

تبدیل شد که متکی بر وجود افراد پیشرو دیزنی مثل «گلن ویلیو»، «آلکس توپتی» و «باد هستر» بود. برای برآوردن نیاز به آموختن مهارت‌های جدید دیجیتالی ابتدا هالیوود هنرز آن و بعد از آن مدرسه جنومون توسط «پام هوگارت» دختر هنرمند مشهور «برن هوگارت» تأسیس شد. و بعد از آن مدرسه هنرهای استودیویی، کالج گلندیل، کالج بروکسل، وو بردی، لویولا ماری مونت، انستیتو هنر سان فرانسیسکو و آکادمی بی‌جینگ و تعداد زیادی مدارس دیگر به وجود آمد. بنابراین راه زیادی از زمان ماشین سواری والت طی شده است. «وینستون چرچیل» یکبار گفت: «هنر بدون سنت مثل گوسفند بدون چوپان است ولی هنر بدون نوآوری یک جسد بدون حیات است.»

مدارس انیمیشن به سرعت زیاد می‌شوند و تغییر و تحول می‌یابند. بعضی وقت‌ها آن‌ها منعکس کننده فرصت‌های صنعت انیمیشن هستند و اغلب آن‌ها رهبری مسیر ایده‌های جدید را بر عهده دارند، اما در بیشتر مواقع آن‌ها مأموریت خود در تأمین انیمیشن با آموزش هنرمندان و فیلم‌سازان فردا انجام می‌دهند.

«تام سیتو» یک انیماتور و نویسنده است که در USC، Cal Arts و UCLA تدریس می‌کند. کتاب جدید او «طراحی خط داستان ناگفته انجمن‌های انیمیشن از بوسکو تابتارت سیمپسون» توسط انتشارات دانشگاه کنتاکی در اکتبر ۲۰۰۶ به چاپ رسیده است.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی